

شترق روزنامه

روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۵ • ۱۹ شوال ۱۴۳۷ • ۲۴ جولای ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۳۸ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۵ • اذان صبح فردا ۴:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com



ماجرای عشق و عاشقی میدون

آموزش قاجاق ۲۱۰ کانیتینر



پوریا عالمی

● سؤالی که این روزها ذهن هر ایرانی و مریخی را درگیر کرده این است که چطوری ۲۱۰ کانیتینر به ارزش ۱۹۰ میلیارد تومان در کشور قاجاق شده و هیچ‌کسی خبردار نشده و تازه خیرش درآمده. آن هم نه‌اینکه محموله کشف شده باشد، نه. خبرش آمده. مسئولان هنوز نتوانسته‌اند اعلام کنند این محموله چطوری آمده توی کشور و چطوری از کشور خارج شده. بعد بابای سوفیا این را به‌عنوان تست هوش برای من مطرح کرده و گفته اگر عاشق سوفیا هستی باید بگویی این ۲۱۰ کانیتینر چطوری قاجاق شده. من هم این راه‌ها به ذهnm رسید: ۱- ۲۱۰ کانیتینر را از این‌ور کشور وارد می‌کنیم. و ۲۱۰ کانیتینر را از آن‌ور کشور خارج می‌کنیم. این‌طوری انگار نه خانی آمده، نه خانی رفته. ۲- روی ۲۱۰ کانیتینر بزرگ می‌نویسیم «ماها کیلاسیم». این‌طوری همه آدم‌های توی راه فکر می‌کنند این ۲۱۰ کانیتینر کیلاس هستند و دارند می‌روند سمت یخچال. ۳- یک راه این است که با اعتمادبه‌نفس وارد شویم و عینک‌دودی و جلیقه جیب‌دار بپوشیم. این‌طوری کسی یا چیزی نمی‌گوید یا اگر گفت، شما بهش می‌گوی «ما از بچه‌های محلیم». فقط باید اعتمادبه‌نفس داشته باشی و توی چشم‌های طرف راست‌راست نگاه کنی. ۴- با توجه به اینکه در این کشور دکل نفتی جابه‌جا می‌شود، کسی متوجه نمی‌شود. راه ما این است که ۲۱۰ دکل نفتی بار ۲۱۰ کانیتینر کنیم که کسی به قاجاقی بودن یا دزدی بودن محموله مشکوک نشود. ۵- فیل را چطوری می‌بریم حموم؟ هیچی. سر و تهش می‌کنیم تا بشود لیف. بعد می‌بریمش حموم. ۲۱۰ کانیتینر را هم سروته می‌کنیم و دنده‌عقب می‌آییم. این‌طوری همه فکر می‌کنند ما داریم می‌رویم، نکو داریم می‌آییم. ۶- بهترین راه این است که ۲۱۰ کانیتینر را یا جاساز کنیم یا قورت بدهیم.

وصیت: به بابات بگو سوفیا؛ من بخوام سوار هواپیما بشوم، شونزده جلیم را هفده‌بار می‌گردن که یک قوطی اسپری زیربغل هم با خودم بالا ببرم، مطمئنا اگر من بخوام کانیتینر قاجاق کنم، یا باید آقازاده بشوم یا باید زنگ بزنم ۱۱۸ را راهنماییم کنند.

سن قانونی به دلیل دفاع از دولت بشار اسد سر بریده شد و از مصر نوجوانی دیگر به دلیل شرکت در یک تظاهرات اعتراض‌آمیز به دادگاه فراخوانده شد. این خشونت کور که بالغ و نابالغ و کودک و بزرگسال و نظامی و غیرنظامی را از هم تشخیص نمی‌دهد، چرا و چگونه ایجاد شده است؟

خشونت ایدئولوژیک

فاضل مبیدی◀ عضو مجمع مدرسین حوزه علمیه قم آنچه امروز تحت عنوان خشونت در تمام دنیا شاهد هستیم، از نیس فرانسه تا مصر و سوریه، خشونت‌هایی است که پایگاه ایدئولوژیک دارد. البته در اینجا باید یک تفاوت بین علل خشونت و منبای آن قائل شد. به این معنا که خشونت ایجادشده در سوریه که امروز باعث سربریدن یک نوجوان شده، اگرچه علل متفاوت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد اما در ظاهر عاملان آن منبای ایدئولوژیک برای کار خود دارند. از‌همین‌رو به نظر می‌رسد ایجاد یک اجماع جهانی میان مسلمانان و کشورهای مذهبی ضروری است؛ چراکه در غیر این صورت آن قرائتی از اسلام پذیرفته خواهد شد که توسط ایدئولوگ‌ها ارائه می‌شود. این اتفاق البته تنها مخصوص دین اسلام و تنها مختص قرن حاضر نیست. در تاریخ همواره درون ادیان مختلف از اسلام تا مسیحیت و یهودیت گروه‌های افراطی وجود داشته‌اند که براساس قرائتی ایدئولوژیک از دین دست به خشونت می‌زدند. متأسفانه امروز با گذشت قرن‌ها از آن اتفاقات و با وجود دستاوردهای بزرگ بشر، شاهد تکرار همان نوع خشونت‌ها به اسم دین هستیم. به همین علت است که تنها راه‌حل برون‌رفت از شرایط فعلی و جلوگیری از کشتار بیشتر غیرنظامیان و مخصوصا زنان و کودکان، اتحاد مسلمانان خاورمیانه اعم از سنی و شیعه و محکوم‌کردن این تحركات رو به گسترش است چراکه اختلاف بین علما و کشورهای دینی، منجر به افزایش خشونت در منطقه می‌شود. در کنار این لازم است حکومت‌های توتالیتر در منطقه به سمت گسترش سازوکارهای دموکراتیک در کشور‌هایشان پیش بروند. چراکه در غیر این صورت ایدئولوژی و قرائت‌های خشک مذهبی پشت نقاب مبارزه با ظلم و استبداد می‌ایستد و با این وسیله اعمال خشونت را توجیه می‌کند. آنچه اما در این میان نادیده گرفته می‌شود این است که این حرکت‌های ضداستبدادی خشن نمی‌توانند تأمین‌کننده آزادی و عدالت باشند.

سلام به فردا

قاجاق، دولت‌ها و وظیفه مردم

مرزهای نظامی تشخیص داده شدند و مراقبت از آنها از نیروهای انتظامی گرفته و به نیروهای نظامی داده شد و چون ارتباط نیروهای نظامی با بدنه دولت کمتر از نیروهای انتظامی است، مشکلاتی در این زمینه به وجود آمد.

نمونه دیگر از این مشکلات را می‌توان در طرح‌هایی مانند طرح شبنم دید؛ دولت با صرف میلیارد‌ها تومان هزینه، به‌دنبال راه‌اندازی کد رهگیری شبنم برآمد؛ اما امروز خبر می‌رسد که این کد در حال آزمایش‌رفتن و کد تازه‌ای به نام «یکتا» در حال پاک‌رفتن است؛ بنابراین در وهله اول ما شاهد تلاش دولت‌ها و نهادهای دیگر در بحث مقابله با قاجاق کالا هستیم؛ اما در نهایت، این تلاش‌ها آن‌چنان نبوده که بتوانیم امروز با قدرت بگوییم توانسته‌ایم مانع از کسب مال و ثروت حرام و غیرمشروع در سطح کشور شویم. شاید بد نباشد در شرایط کنونی به این مسئله توجه کنیم که پیشرفت‌های تکنولوژی در دنیا، می‌تواند به کمک ما بیايد تا کنترل مرزهای آبی، خاکی و کوهستانی را راحت‌تر انجام دهیم و از ورود مواد مخدر، کالای قاچاق و حتی قاجاق انسان جلوگیری کنیم. این تکنولوژی پیشرفته حتی می‌تواند به ما کمک کند به‌سوی امنیت پایدارتری حرکت کنیم آن‌هم در عصری که دانش در بیرون مرزهای کشور پراکنده شده و نگرانی از حملات تروریستی آنها وجود دارد.

حلقه آخر در مبارزه با قاجاق، قطعا خود مردم هستند، چراکه مقصد همه این کالاها که غیرقانونی وارد کشور می‌شوند، مصرف‌کنندگان عام جامعه‌اند؛ بنابراین مردمی که در این زمینه توان تشخیص کالای قاچاق را دارند، می‌توانند به یاری دولت‌ها بشتابند. با این‌همه گاهی برخی از همین مصرف‌کنندگان با تصور دریافت کالای بهتر و نداشتن قدرت تشخیص کالاهای قاچاق، جامعه هدف این سودجویی می‌شوند.

ادامه از صفحه ۱۴

۳ نمایش و چند حاشیه

چرا و چگونه نتاتر دانشجویی ببینیم؟
در جهان در میان اقشار کتاب‌خوان با بهره‌مند از تحصیل که قشر سیاسیون را هم شامل می‌شود، به دانشجوی نگاهی از سر ارادت هست. از سر اعتماد. چون می‌دانند اگر قصاب گوشت می‌فروشد و معمار ساختمان می‌سازد، دانشجو هم فعلش این است که برای تمام بن‌بست‌ها راه‌حل بیابد و نمره بگیرد که نهایت این چرخه، به داشتن قوانین جدید و بازخوانی مدام از حقوق انسانی ختم می‌شود؛ همان چیزی که در نبود ارادت، دست انسان را برای خروج از دایره انسایت نسبت به دیگری می‌بندد؛ همان چیزی که در جغرافیای بی‌سامانش به‌سر می‌برد و می‌بریم. تاترندین حال عمومی‌تان را بهتر می‌کند. اگر هم شما را به فکر فرو برد، قدر بدانید. چون اگر حال بد دارید، اگر در زندگی خانوادگی‌تان با مشکل مواجهید، اگر با نسل پیش یا پس از خود تفاوت احساس می‌کنید، اگر در دنیای امروز، عدمی یا جای خالی‌ای فکر شما را مشغول کرده، آنجا در تاترر پیدایش می‌کنید. زندگی در تاتر جاری است.

جریان برگشت‌ناپذیر خشونت

هفته گذشته خشونت در سرتاسر جهان به اوج خودش رسید. از فرانسه و آلمان تا ترکیه و هند، همگی به‌نوعی کشتار و خون‌ریزی را تجربه کردند. در این میان اما دو خبر بیش از بقیه ناراحت‌کننده بود. در سوریه نوجوانی زیر

چرخه بی‌پایان

غلامعباس توسلی◀ جامعه‌شناس

بشر زمانی توانست پایه‌های تمدن را پی‌ریزی کند که از خشونت دوری جست. چراکه خشونت خانمان‌سوز و خانمان‌برانداز است. جایی که خشونت هست، تمدن امکان رشد و شکوفایی پیدا نمی‌کند. از همین رو بشر قرن‌ها تلاش کرد تا بتواند خشونت را کنترل کند. اگرچه این خشونت هرگز هم به‌طور کامل از بین نرفت اما با سازوکارهایی که در قرن بیستم اندیشیده شد، امید می‌رفت دولت‌ها و ملت‌ها بیش‌ازپیش در کنترل خشونت درون مرزهای ملی و خارج از آنها موفق باشند. اما امروز تمام این دستاوردها بر باد رفته است و من معتقدم خشونت فراگیری که امروز در تمام کشورهای جهان می‌بینیم، ناشی از ندانم‌کاری دولت‌هاست. چنانچه این ندانم‌کاری با ریشه سیاسی ادامه پیدا کند تمام تلاش‌های متمدنانه بشر را نابود خواهد کرد. تلاش‌هایی مثل تصویب قوانین جنگی که آسیب‌رساندن را غیرنظامیان را ممنوع می‌داند. وقتی دستاوردهای بشری نظیر این از بین برود، قبح خشونت از بین خواهد رفت. از این رو بشر در چرخه‌ای از خشونت گرفتار می‌شود که تولید و بازتولید می‌شود. در این چرخه شما دیگر با خشونت مواجه نیستید بلکه از خشونت به جنایت می‌رسید. درواقع زمانی که شما سازوکارهای قانونی و مدنی را زیر پا می‌گذارید، پل‌های پشت سر را خراب کرده‌اید و برای رسیدن به خواسته خود باید خشونت بیشتری به خرج دهید. اما این تنها عامل مؤثر در افزایش خشونت‌ها در دهه اخیر نیست. زمانی که خشونی شکل می‌گیرد، چنانچه با بی‌تفاوتی مواجه شود، ادامه پیدا خواهد کرد. اگر به تاریخچه خشونت در خاورمیانه دقت کنید، خواهید دید سکوت جوامع بین‌المللی در قبال آن در برخی کشورهای خاورمیانه، خشونت‌رزی در دیگر کشورها را تسهیل کرده است. درواقع زمانی که هزینه اعمال خشونت و جنایت در جامعه بین‌الملل نه‌تنها پایین باشد بلکه اعمال خشونت‌آمیز با حمایت برخی کشورها و سکوت دیگران مواجه شود، این آدم‌کشی ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین در شرایط فعلی جهان، تنها چیزی که می‌تواند جلوی این جریان برگشت‌ناپذیر خشونت را بگیرد، یک اجماع بین‌المللی است. اجماعی که مجازات‌های شدیدی برای اعمال خشونت در نظر گیرد.

برفراز ایران

عرقیات، از اون جهت!



رؤیا صدر

خدمت جناب آقای مصلح‌الدین سعدی‌شیرازی معروض می‌دارد: در سفر سه‌روزه‌ای که به مدد تعطیلات عید فطر به شهرستان داشتیم، برای عرض سلام خدمت رسیدیم؛ تشریف داشتید. با این حال به علت ازدحام جمعیت سلفی‌بگیر، مصدع اوقات نشدیم، ترجیح دادیم به توصیه خواجه حافظ، لب جوی، همان جلوی آرامگاه بنشینیم بلکه گذر عمر ببینیم. متأسفانه این امر به‌علت خالی‌بودن حوض آب و جوی میسر نشد. خشک بود. نه‌تنها در آرامگاه حضرت‌عالی بلکه در سایر مراکز دیدنی و تاریخی و باغ‌های سرسبزی که حوض و جوی برآب جز: لاینفک زیبایی و طراوت آنهاست نیز این امر امکان‌پذیر نشد. از حوض و جوی‌های ارگ کریمخان‌ی گرفته تا نارنجستان قوام و بقیه مراکز دیدنی، فقط حوض باغ عفیف‌آباد قدری آب داشت، که آن‌هم اگر نبود، سنکین‌تر بود. حوض جلوی عمارت و باغ به آن زیبایی و عظمت، لجن‌زاری بدبو بود که ایستادن کنارش جز اخلال حیات و تخریب ذات، ثمر دیگری نداشت. لابد می‌فرمایید احتمالا آب رکن‌آباد خشک شده و تنها کاری که از دست مسئولان عزیز و دلسوز برمی‌آید این است که تا می‌توانند، ورودیه بگیرند و بزنند به زخم میراث فرهنگی! ما هم از آبشار و حوضچه و آب‌نمای مصنوعی خدمتشان حرفی نمی‌زنیم و نمی‌گوییم چگونه با کمک تکنولوژی نه چندان پیچیده، می‌شود آبشار راه انداخت، چه برسد به جوی! ... اصلا بگذریم... اوقاتتان را بیش‌ازاین تلخ نمی‌کنیم و نمی‌گوییم ما دو بار دیگر در همین روزها به شیراز آمده بودیم ولی وضع، به‌گونه‌ای دیگر بود... درهرحال کنار جوی نشستیم و گذر پیاده‌هایی را دیدیم که می‌رفتند تا از خیل خریداران عرقیات سنتی و بستنی- فالوده جا نمانند. درست بغل آرامگاه‌ها ت غرغه فروش خوراکی زده بودند. کنارش هم کتاب گرگ مکار و خرگوش ناقل‌ا می‌فروختند. بازار مکاره‌ای بود آنجا. دربغ از یک فروشگاه مناسب با شان و مقام شما و دربغ از یک کتاب درست و درمان. راستی آیا حضرت‌عالی با انگور یاقوتی رابطه و پیوندی داشتید؟

سر در دیوارهای آرامگاه پلاکارد زده‌بودند رأس ساعت شش در ضلع شرقی محوطه آرامگاه ازسوی یکی از پایگاه‌های صاحب نام، جشنواره انگور یاقوتی برگزار می‌شود. در هر حال ما به این مراسم فرهنگی- هنری نرسیدیم و از دستش دادیم ولی فردای آن روز در تخت جمشید با صحنه‌های هیجان‌انگیز دیگری روبه‌رو شدیم. شاید باورتان نشود ولی غرغه فروش عرقیات سنتی و بستنی- فالوده امپراتوری ایران باستان (که ما را به یاد کیوسک‌های فروش خوراکی بین‌راهی می‌انداخت)، یک بطری آب خنک هم نداشت که به خیل علاقه‌مندان ایرانی و خارجی تشنه و خسته تقدیم کند! ... نتیجه آنکه تشنه رفتیم، با دیدن سنگ‌نگاره‌های پیشکش‌آوردن نمایندگان ملل آب از دهانمان سرازیر شد و سپس به‌همراه خیل مسافران دیگر، تشنه برگشتیم... یک توریست خارجی که در قطب گردشگری ایران دربره در دنبال بطری آب خنک می‌گشت از ما پرسید: همیشه شیراز این‌قدر گرم است؟ ... و ما، سرخ شدیم و عرق ریختیم! ...

سزارین مقابل‌نشین واژه طبیعی است در وضع حمل و اوضاع این روایت!!! زن همسایه را می‌رسانند بیمارستان، زن و کودک هر دو تلف می‌شوند، در بازگشت از بیمارستان، لک‌لکی بقچه‌ای را از دودکش فرو می‌کرده که همین آدم قصای است که ایستاده روبه‌روی ما و لایلاش یک جالباسی است. این ماجرای ازکج‌آمدن و آمدنش بحر چه بود آدم سزارین است؛ نمایشی نه طولانی و نه خسته‌کننده. بی‌قصه پیچیده و القصه، صریح. با بازی جذاب، بدون نیاز به کشتن دنبال چهره آشنای سینمایی.و از همه مهم‌تر، با معصومیت تمام دارد تقصیرها را کردن می‌گیرد، کنک‌هایش را می‌خورد. این تصویر انسان امروزی است که در ممنوعیت تصویرسازی انسان معیار، مؤلف دست به ساختن آن می‌برد. به بیان ساده، می‌توان برعهده تماشاجی گذاشت و از او پرسید با دیدن این دو سؤال که بهرام بیضایی و آرسین لطفعلیان دارند مطرح می‌کنند، پاسخ و جمع‌بندی خود او به سؤال «تصویر انسان معیار» چه خواهد بود؟